ماجرای تجاوز، اشغالگری و جنایات رژیم اشغالگر صهیونیستی از هفتم اکتبر شروع نشده بلکه این رژیم جعلی بیش از هفتاد سال است که به جنایت و آشوب‌افکنی و ایجاد رنج برای ملت‌های مختلف منطقه و به طور خاص فلسطینی‌ها مشغول است و هفتم اکتبر تنها لایه‌های پنهان این شقاوت و رذالت را پدیدار ساخت. کشتارهایی نظیر «صبرا» و «شتیلا» در گذشته تنها نمونه‌ای از جنایات هفتادوپنج ساله صهیونیست‌ها و عمال آنها است و عملیات «طوفان‌الاقصی» واکنش طبیعی ملتی بود که از خانه و کاشانه و سرزمین خود بیرون رانده شده و سپس در باریکه کوچکی به نام غزه تحت محاصره و رنج قرار گرفته است.

مطلب پیش‌رو قسمت دوم و پایانی بررسی تحولات مهم رخ داده در فاصله قریب به ۲ سال از آغاز تهاجم گسترده صهیونیست‌ها به غزه، لبنان، سوریه، یمن و ایران است.

عزیزالله محمدی(امتدادجو)

از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ (بخش دوم و پایانی)

۶۲۵ روز جنگ چگونه گذشت؟

۲۱- ریزپرنده‌ها پدیده جدید و تاکتیکی رژیم صهیونیستی برای انجام ترورها و ایجاد رعب و وحشت و شناسایی اماکن و افراد بود که به طور فوق‌العاده‌ای سامانه‌های پدافندی ارتفاع پست را در تهران و سرتاسر کشور در طول تمام شبانه‌روز تحت تاثیر قرار داد.

۲۲- موضوع لجستیک قطعات به داخل و یا تامین آنها در داخل، دپو و نگهداری قطعات، مونتاژ و عملیاتی ساختن ریزپرنده‌ها، آموزش افراد و کاربران، سازماندهی نیروهای عملیاتی و پشتیبانی، بسیار بسیار قابل تامل و عجیب بود که تقریبا بیش از هزاران ریزپرنده و افراد بسیاری در این خصوص شناسایی و با آنها مقابله صورت گرفت.

۲۳- فارغ از ریزپرنده‌ها پهپادهای انتحاری و دوش‌پرتاب‌ها هم عملا وضعیت جنگی را علاوه‌بر مواجهه مستقیم ایران و اسرائیل در نبرد هواپیماها و موشک‌ها به سمت جنگ شهری سوق داده بود.

۲۴- آگاهی نیروهای اطلاعاتی و مردم و انتشار چگونگی حمل‌ونقل ریزپرنده‌ها، نیروهای مردمی و انتظامی و اطلاعاتی را به طور جدی وارد صحنه نبرد کرد و خودروهای حمل ریزپرنده‌ها و محل‌های نگهداری و افراد جاسوس در شهرهای مختلف جمع‌آوری و دستگیر شدند.

۲۵- با دستگیری عوامل خائن و جاسوس‌ها و کشف حداکثری ریزپرنده‌ها از میزان درگیری پدافند که صدای هولناکی از انفجارها سطح شهر را پُر می‌کرد کاسته شد؛ اما کماکان فعالیت این ریزپرنده‌ها تا روز آخر جنگ ادامه داشت و این، یعنی آنکه کماکان افراد خائن و جاسوسی که بخواهند اقدامات بعدی را در اشکال مختلف انجام بدهند حضور دارند.

۲۶- به جهت حفظ جان مردم و تمرکز بر روی مقابله با حملات رژیم صهیونیستی و امکان دستگیری خائنین و جاسوس‌ها و برای کاستن از بار روانی جنگ نزد مردم، دستورالعمل دورکاری کارمندان اجرائی شد و به این ترتیب تهران تا حدود خیلی زیادی خالی شد تا اقدامات انتظامی برای شناسایی عوامل دشمن راحت‌تر صورت بگیرد.

۲۷- بازگشت گشت‌های شهری و ایستگاه‌های ایست‌بازرسی (همانند ادوار گذشته) توسط بسیج و یگان‌های انتظامی آسودگی خیال جمعی برای مقابله با تهدیدات را فراهم کرد.

۲۸- اظهارات دولت رژیم صهیونیستی و کارشناسان مبنی بر این موضوع بود که با ترور فرماندهان ارشد نیروهای مسلح و سپاه و با تداوم تهاجم رژیم صهیونیستی اعتراضات مردمی نیز شکل خواهد گرفت و حاکمیت فرو خواهد پاشید؛ در حالی که این اتفاق را دوباره در جان‌ها سرشار می‌کرد و یقین به پیروزی و پایان ظلمت و تاریکی را افزایش می‌داد.

۳۰- اصابت موشک‌ها و پهپادها و ریزپرنده‌ها علاوه‌بر مراکز نظامی و علمی به سمت بیمارستان‌ها و حتی منازل شخصی کشیده شد و با اعلام موضوع دورکاری کارمندان بخشی از مردم متمایل به خروج از تهران شدند و سمت شمال کشور به محل شلوغ و اجتماع گسترده مردم تبدیل شد که به خودی خود این تراکم جمعیتی می‌تواند مشکلات خاص خود از قبیل تامین مایحتاج و بنزین و... را داشته باشد.

۳۱- تمرکز گسترده رژیم صهیونیستی به سمت زیرساخت‌های موشکی و راداری بود و بعد از تهران بیشترین تهاجم را در غرب و شمال‌غرب و در کرمانشاه و تبریز و خرم‌آباد داشت.

۳۲- شواهد و مدارک بسیار متقنی نسبت به استفاده از خاک آذربایجان و بعضی از کشورهای شمال دریای خزر وجود دارد که عمده پهپادهای که در شمال، مرکز، غرب و شمال‌غرب عملیات داشتند از این کشورها و بخصوص از آذربایجان برمی‌خاستند.

۳۳- به تدریج رژیم صهیونیستی تحت به‌کارگیری استراتژی و تاکتیک اقدام جغرافیایی و سرامیکی، شعاع تجاوزات هوائی خود را گسترش داد و علاوه‌بر تبریز و تهران و همدان و کرمانشاه شهرهای اصفهان، شیراز، بوشهر، کرمان و اهواز و خوزستان نیز تحت تاثیر حملات و تهاجمات قرار گرفتند و به طور کلی به جز استان کردستان و سیستان و بلوچستان نقطه امن دیگری وجود نداشت.

۳۴- همزمان با تهران و سایر شهرها، شهرستان‌های دیگر تهران از جمله اسلامشهر، بهارستان و به‌ویژه پاکدشت به‌شدت در معرض تهاجم ریزپرنده‌ها قرار داشت و صنایع پارچین هدف معین و مشخصی بود که در هربار هجوم رژیم صهیونیستی مورد حمله و هدف قرار می‌گرفت.

۳۵- شدت فعالیت عوامل نفوذی و اتباع و فعالیت ریزپرنده‌ها در این شهرستان‌ها افزایش پیدا کرده بود و در نهایت با هوشیاری مردم و عوامل اطلاعاتی بسیاری از این افراد خائن و جاسوس دستگیر شدند.

۳۶- فعالیت دیپلماتیک وزارت خارجه با کشورهای منطقه و اروپایی و روسیه و تحرکات آن افزایش پیدا کرد.

۳۷- منطقه پارس‌جنوبی و به‌ویژه فاز ۱۴ آن و نیز پالایشگاه تبریز و... و محل ذخیره نفت شهران در تهران مورد اصابت قرار گرفتند.

۳۸- به‌رغم تمام وقایع، صف‌های پمپ بنزین در کمال آرامش مردم بود و همین‌طور نانوایی‌ها و خدمات برقرار بودند و خلاء ارائه خدمات جز خدمات بعضی از بانک‌ها مثل سپه و پاسارگاد که به طور کامل هک شده بودند احساس نمی‌شد.

۳۹- رژیم صهیونیستی که به‌شدت رو به سانسور خبری حملات ایران و آسیب‌ها و خسارات بسیار زیادی که به مراکز نظامی و تحقیقاتی و جاسوسی صهیونیست‌ها وارد شد حساب باز کرده بود به منظور خنثی‌سازی روایت ایران از جنگ و خاموش کردن صدای حقیقت، به ساختمان شیشه‌ای صداوسیما و به طور خاص به استودیو شبکه خبر حمله موشکی کرد و به اراده خداوند و با شجاعت و رشادت شیرزن ایرانی و مجری قهرمان تلویزیون و شبکه خبر، خانم سحر امامی که با یک اقدام و کلام و رفتار حماسی مقابل دوربین تا لحظه آخر ایستاد و آنتن شبکه را ترک نکرد و در نهایت تبدیل به قهرمان ملی و نماد شجاعت مردم ایران با همان پوشش حجاب خود شد و با انگشت اشاره تهدید به سمت رژیم صهیونیستی تبدیل به نمادی شد که مشابه با حرکت دست و انگشت سید حسن نصرالله بود.

۴۰- سحر امامی دقیقا لحظاتی بعد مجددا بر روی آنتن شبکه خبر قرار گرفت و پخش شبکه خبر با دلاوری و ایستادگی مدیر پخش که در لحظه حمله که در اتاق فرمان بود برای یک لحظه هم قطع نشد و جهانیان دیدند که که شجاعت مردم ایران چگونه است و تصویر محجبه سحر امامی و انگشت تهدیدآمیز او برای رژیم صهیونیستی تبدیل به نمادی شد که هنرمندان ادبی و گرافیست و انیمیشن‌ساز بر روی آن در سرتاسر دنیا توجه کردند.

۴۱- اقدام ناظر پخش شبکه خبر در اتاق رژی چند روز بعد، از طریق دوربین مدار بسته بیشتر مورد توجه قرار گرفت و در مصاحبه‌ای که داشت گفت: حتی ضربان قلبم نیز تغییر نکرد و من باید وظیفه‌ام را انجام می‌دادم و در کنار آنها برنامه زنده شبکه پویا و بعضی از برنامه‌های زنده رادیو که استودیو آنها در ساختمان شیشه‌ای بود جلب توجه کرد.

۴۲- زمان هرچه به جلوتر می‌رفت در عرصه سیاسی گفتمان‌ها تغییر بیشتری به خود می‌گرفتند و به‌رغم آنکه در ابتدا صحبت سیاستمداران غربی و آمریکایی و اسرائیلی حاکی از هدف تغییر حکومت در ایران بود، وقتی میزان دفاع نیروهای نظامی و حملات موشکی مؤثر واقع شد؛ ابراز کردند که هدف در نهایت مراکز هسته‌ای و و موشکی است.

۴۳- فضای مجازی در التهابی شدید از اخبار پی‌درپی دفاع و حمله به سر می برد و مردم علی‌رغم پیش‌بینی اولیه رژیم صهیونیستی و آمریکا، نه‌تنها واکنش‌های منفی به نظام و جنگ از خود نشان ندادند؛ بلکه با ابراز همراهی با نیروهای مسلح و حاکمیت، خواستار دفاع همه‌جانبه از ایران و تنبیه متجاوز شدند و با هر گرایش و سلیقه‌ای پیوند خود با میهن و پرچم و رهبری را اعلام کردند و امیدهای رژیم صهیونیستی برای همراهی مردم که در محاسبات اولیه داشت؛ بر هم خورد.

۴۴- با بر هم خوردن محاسبات برای همراهی مردم با رژیم صهیونیستی و با دستگیری تعداد زیادی از عوامل نفوذی و جاسوسی و خرابکار و با هوشیاری مردم میزان خباثت و وحشی‌گری رژیم صهیونیستی افزایش پیدا کرد و تعداد دفعات حملات خود را که در روزهای ابتدائی یک الی دو بار بود به ساعات مختلف روز و نقاط مختلف کشور و به‌ویژه در تهران با گسترش دادن به اهداف افزایش داد و روزانه بارها و بارها پدافند در تهران و سایر شهرستان‌ها فعالیت می‌کرد و صدای انفجارهای متوالی نیز به گوش می‌رسید.

۴۵-سوپر مارکت‌ها، تره‌بار، نانوایی‌ها، پمپ‌بنزین‌ها، مراکز درمانی و... هر کدام به اندازه‌ای که نیاز مردم بر طرف شود و خدمات‌رسانی به مردم دچار اختلال نباشد باز بودند و مردم در کنار اینکه هر شب خط‌های متناوب قرمز پدافند را در آسمان مشاهده می‌کردند اما زندگی را ادامه می‌دادند.

۴۶- عرصه دیپلماسی هرچه بر میزان شلیک موشک‌های ایران افزوده می‌شد فعال‌تر می‌شد و این نشان از آن داشت که موشک‌ها به اهداف خود در سرزمین‌های اشغالی می‌رسند و میزان تاب‌آوری مردم این سرزمین‌ها کاهش پیدا کرده و این میزان از هجوم موشک‌ها در محاسبات آنها نبوده است.

۴۷- ایران به لحاظ تاکتیکی به تدریج از تعداد شلیک موشک‌ها کم کرد و در عوض با به‌کارگیری نسل‌های جدیدتر موشک‌های خود که هم در قدرت تخریب و هم در دقت اصابت بسیار بهتر عمل می‌کردند دشمن را در شوک فرو برد و به این ترتیب لحظه‌ای صدای آژیر خطر در سرزمین‌های اشغالی قطع نمی‌گردید.

۴۸- سرلشکر موسوی با ارائه بیانیه و سخنرانی اعلام کرد که از این به بعد صدای آژیر در سرزمین‌های اشغالی قطع نخواهد شد و اهالی غاصب این سرزمین‌ها باید به حضور در پناهگاه‌ها عادت کنند و چنین شد که ساعت‌های متوالی مردم تلاویو و حیفا و اشدود و... در پناهگاه‌ها بودند.

۴۹- میزان سانسور در سرزمین‌های اشغالی به حدی بود که هیچ‌گونه تصویری از اصابت موشک‌ها منتشر نمی‌شد و اندک تصاویری هم که بود با سناریو طراحی‌شده آنها، فقط مناطق مسکونی را نشان می‌داد که در این مناطق سامانه‌ها و تجهیزات پدافندی بوده است.

۵۰- به مجرد آنکه هر لحظه هدف خاص و معینی در ایران مورد حمله قرار می‌گرفت؛ بلافاصله دقایق یا ساعاتی بعد به مراکز و اهداف مشابهی در سرزمین‌های اشغالی حمله موشکی صورت می‌گرفت که از مراکز تحقیقاتی و یا پالایشگاه‌ها و یا فرودگاه‌ها و یا... می‌توان نام برد و با توجه به عمق استراتژیک و راهبردی و طول جغرافیای سرزمین‌های اشغالی، لحظه‌به‌لحظه از میزان تاب‌آوری و امید رژیم صهیونیستی کاسته می‌شد.

۵۱- راهبرد اطلاع‌رسانی نیروهای مسلح از طریق سخنگوهای ستاد کل و سپاه پاسداران پیگیری می‌شد که بعد از هر حمله موشکی بیانیه‌ای صادر و از طریق سخنگوهای نیروهای مسلح قرائت می‌شد.

۵۲- شدت و سرعت تحولات به حدی بود که اقدامات دیپلماتیک نیز تحت تاثیر قرار گرفت و تردد آقای عراقچی به کشورهای مختلف مؤید بر خبرهای خاصی بود.

۵۳- پویش‌های خاص مجازی در جهان برای نابودی اسرائیل ویژه در اروپا تحت عنوان «just do it» به راه افتاد که خواستار حملات بیشتر ایران به اسرائیل بودند.

۵۴- پدافند هوائی ایران در کنار نیروی تهاجمی موشکی و پهپادی شگفتانه‌های جدیدی در شکار هواپیماهای فوق‌مدرن F-۳۵ و پهپادهای متنوع و ریزپرنده‌ها رونمایی کرد که تعجب کارشناسان دنیا را برانگیخت.

۵۵- این اتفاق به‌رغم حملات اولیه و غافلگیرکننده رژیم صهیونیستی به سامانه‌های راداری و موشکی پدافند اتفاق افتاد و نشان از این داشت که سیستم‌های هک‌شده پدافند بازیابی و به چرخه عملیاتی بازگشتند.

۵۶- رهگیری و انهدام بیش از ۳ فروند F-۳۵، انهدام چندین فروند پهپاد جاسوسی هرمس، انهدام چندین پهپاد آمریکایی هاروپ و...

۵۷- جنگ هرچه به پیش رفت خطاهای استراتژیک رژیم صهیونیستی بیشتر شد و ۵ خطای استراتژیک و محاسباتی آشکار شد:

۱- برآورد از توان بازسازی و توان رزم بعد از ترور فرماندهان. ۲- توهم شورش‌های اجتماعی بدنه جامعه که معکوس شد.۳- توانایی ایران در دستگیری مزدوران و شبکه جاسوسی و اتباع.۴- توانایی هجومی و موشکی و ضربه اطلاعاتی جمهوری اسلامی به اماکن حیاتی و حساس به واسطه اطلاعات به دست آمده ۵- برهم زدن توهم استراتژی مرد دیوانه که ایران متقابلا به جای ترس و عقب‌نشینی اقدام مؤثر و مقابله به مثل کرد.

۵۸- در روزهای پایانی رژیم صهیونیستی به دلیل شکست در میدان و به جهت پاسخگویی به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی رو به مظلوم‌نمایی آورد و با برجسته کردن اصابت موشک‌های ایرانی به اماکنی مثلا بیمارستانی که در محوطه نظامی بود و یا مناطق مسکونی سعی در پوشش شکست مفتضحانه خود داشت.

۵۹- تحلیل کارشناسان بین‌المللی و غربی این بود که ایران در حال جنگیدن در جنگی است که آینده جهان را تعیین خواهد کرد و ایران با «غرب شرور» و «وحشی» روبه‌روست که کاملا متعهد به نسل‌کشی و توسعه‌زدایی از هر کشوری است که جرات مخالفت با هژمونی آن را داشته باشد.

۶۰- رسانه‌های دنیا به طور تلویحی به مقابله با رژیم صهیونیستی برخاسته بودند و حتی نخست‌وزیر اسرائیل را چوپان دروغگو خطاب می‌کردند.

۶۱- با ظاهر شدن علائم شکست رژیم صهیونیستی صحبت بر سر ادامه مذاکرات جدی شد و میدان دیپلماسی شاهد تحرکات وزارت خارجه ایران بود.

۶۲- همزمان با میل به مذاکره آمریکا زمزمه‌های مشارکت در جنگ او نیز به دلیل آشکار شدن شکست رژیم صهیونیستی به گوش می‌رسید.

۶۳- با نمایان شدن جلوه‌های شکست رژیم صهیونیستی زمزمه‌های آتش‌بس و ادامه مذاکرات به گوش می‌رسید که آمریکا سعی داشت به عنوان میانجی بین ایران و اسرائیل عمل کند که این بازی نیز از نظر ایران یک فریب بود و حاوی نکاتی خاص:

۱) تغییر نقش آمریکا از مهاجم به میانجی. ۲) جابه‌جایی جایگاه متجاوز. ۳) نمایش موفقیت عملیات آمریکا بعد از حمله به فردو و نطنز و اصفهان. ۴) زمینه‌سازی برای تداوم حملات. ۵) ارزیابی فضای داخلی ایران.

۶۴- با پُررنگ شدن موضوع مذاکره برای آتش بس، همانند آنچه که در ابتدای جنگ رژیم صهیونیستی در دل مذاکرات جنگ را شروع کرد؛ آمریکا به سه نقطه فردو، نطنز و اصفهان به منظور از بین بردن توان هسته‌ای ایران انجام داد و به طور مستقیم وارد جنگ با ایران شد که در وهله اول این یعنی شکست کامل اسرائیل و مداخله تهاجمی آمریکا به غیر از سایر نقش‌های که در حوزه پدافندی، پشتیبانی تجهیزاتی و اطلاعاتی داشت.

۶۵- حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران حدود ساعت ۲:۱۰ بامداد روز یازدهم جنگ اتفاق افتاد و بعد از آن ترامپ، ضمن اطلاع‌رسانی درخصوص حمله به ایران با هواپیماهای B-۲ اعلام آتش‌بس کرد و گفت حالا پایان جنگ است.

۶۶- در رسانه‌های داخلی هیچ کس تا چند ساعت بعد خبر خاصی را اعلام نکرد و خلأ اطلاع‌رسانی دقیق کاملا در هیاهو و غوغای رسانه‌ای جبهه سلطه احساس می‌شد.

۶۷- چند ساعت بعد، شبکه خبر نیز به طور رسمی حمله به تاسیسات هسته‌ای را تایید کرد و کارزار ایران با آمریکا نیز آغاز شد.

۶۸- تصاویر اولیه به دست آمده از طریق خبرنگار خبرگزاری فارس در محل فردو گویای آن بود که اتفاق جدی نیفتاده و علی‌رغم خبرها، هیچ‌گونه نشت رادیو اکتیو و یا تشعشعات وجود نداشته است.

۶۹- چند روز قبل از آن نیز به تاسیسات آب‌سنگین اراک و خنداب حمله شده بود.

۷۰- خیلی زود با توجه به شواهد و قرائن اثبات شد ترامپ در حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران مبالغه کرده و خبرنگارهای داخلی آمریکا او را به چالش کشیدند.

۷۱- درخصوص میزان خسارت وارده به تاسیسات هسته‌ای مقامات ایرانی به جهت نگهداشتن طرف مقابل در حالت گیجی هیچ‌گونه اظهار نظر ابتدائی نداشتند و به تدریج اعلام شد که اورانیوم غنی‌شده روزهای قبل از فردو خارج شده و این خبر شکست بزرگ اطلاعاتی و نظامی برای آمریکا و رژیم صهیونیستی محسوب گشت.

۷۲- با اعلام خروج اورانیوم غنی‌شده از فردو و وارد شدن خسارات جزئی به تاسیسات هسته‌ای جنگ نظامی به جنگ روانی و رسانه‌ای تغیر ماهیت و رویکرد داد و عملا روایت‌های مختلف بودند که ترامپ و نتانیاهو را تحت فشار قرار داده بودند.

۷۳- پالس‌های پذیرش آتش‌بس از سوی ایران بعد از رفت‌وآمدهای دیپلماتیک منطقه‌ای کم‌کم احساس می‌شد؛ اما ایران اعلام کرد که پاسخ تجاوز آمریکا را خواهد داد و تصورات اولیه بر آن بود که تنگه هرمز بلافاصله بسته خواهد شد؛ اما به‌رغم اقدامات جزئی این اتفاق نیفتاد و تنگه هرمز کماکان به عنوان یک ابزار فشار به آمریکا و همپیمانانش باقی ماند.

۷۴- تحرکات منطقه‌ای در سطح سیاسی بسیار بالا گرفت و رفت‌وآمدهای خاصی مبنی بر تبادل پیام‌های طرفین توسط کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به عنوان میانجی صورت می‌گرفت و قطر نقش محوری در این زمینه داشت.

۷۵- روز آخر جنگ شدت حملات رژیم صهیونیستی به حدی افزایش داشت که او می‌خواست زیرساخت‌های مختلف و تاسیسات حیاتی و نیروهای مؤثر را هر طور شده حذف کند.

۷۶- ترور فرمانده تیپ ثارالله و حمله به مقر فرماندهی یگان ویژه و ستاد بسیج مستضعفین و زندان اوین بخشی از حملات روز آخر رژیم صهیونیستی بود که این حملات حاوی یک پیام بود و آن اینکه تمام‌قد می‌خواهد به شورش‌های اجتماعی قدرت ببخشد.

۷۷- ایران نیز در پاسخ حملاتی فوق پیش‌بینی آمریکا و اسرائیل به سرزمین‌های اشغالی داشت و سنگین‌ترین حملات را با موشک‌های سجیل و خیبرشکن به اسرائیل انجام داد و مراکز حساس امنیتی و اطلاعاتی و پژوهشی را به ویرانه تبدیل کرد.

۷۸- به‌رغم تمام پیام‌های که رد و بدل شد ایران تصمیم به تنبیه آمریکا داشت و در نهایت با ملاحظاتی خاص پایگاه نظامی آمریکا در قطر را مورد حمله موشکی خود قرار داد و به این ترتیب هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی جواب در خوری را از ایران دریافت کردند و ایران توقف تبادل آتش را به آمریکا و رژیم صهیونیستی تحمیل کرد.

* ادامه این روایت به دو موضوع انعکاس نظرات کارشناسی و رسانه‌ای در سه بخش (پیش، حین و بعد از جنگ) و ارائه آمار و ارقام شامل (تعداد و نوع حملات، تجهیزات و میزان به‌کار گرفته شده، مناطق مختلف هدف طرفین جنگ، خسارات و تلفات نیروی انسانی و...) خواهد بود.

* و در بخش پایانی، علاوه‌بر روایت وقایع داخلی سرزمین‌های اشغالی، تحلیل کلی و جامع با توجه به فرآیندهای شکل گرفته و پیش‌رو نسبت به آینده این جنگ با ظرفیت بازخوانی «نظام بین‌الملل» و «نظم‌های نوین» ارائه خواهد شد.

از سوریه چه خبر؟!

آنجا نه خبری از غنی‌سازی اورانیوم است نه تلاشی برای دستیابی به صنعت هسته‌ای. حتی در تصوراتشان هم نمی‌گنجد که به سمت تکنولوژی هسته‌ای در هر مقیاسی و با هر رویکردی بروند.

نه خبری از فاتح و قدر و سجیل است نه خبری از فجر و نصر و خرمشهر.

نه کسی از این جماعت شعار مرگ بر اسرائیل شنیده است و نه شعار مرگ بر آمریکا.

آنجا نه باقری داشته که در صورت دست از پا خطاکردن اسرائیل، بخواهد پاسخ کوبنده‌ای بدهد نه حاجی‌زاده‌ای که موشک‌هایش قلب تل‌آویو و حیفا را نشانه بگیرند.

آنجا از همان ابتدای استقرار احمد الشرع (جولانی) فقط خوش‌رقصی برای اربابان بوده و خوش‌رقصی و خوش‌رقصی.

دم تکان‌دادن برای سگ‌های هاری که سال‌هاست زنان و کودکان بی‌دفاع را وحشیانه به خاک و خون کشیده‌اند.

آنجا به زعم سردمدارانش جز ایران و حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن دشمنی وجود ندارد و آمریکا و اسرائیل و انگلیس همگی کشورهای دوست و برادر هستند و این جماعت جان فدایشان.

اما عاقبت کار...

۱- حمله نظامی بسیار سنگین به ستاد کل ارتش سوریه

۲- حمله نظامی سنگین به کاخ ریاست جمهوری سوریه

۳- پیشنهاد ترور جولانی از سوی برخی سردمداران رژیم صهیونی علی‌رغم اثبات بردگیش به صهیونیست‌های خبیث

۴- حمله نظامی گسترده به حدود ۱۶۰ نقطه مختلف در سوریه به نقل از رسانه‌های اسرائیلی طی ۲۴ ساعت گذشته

و...

بیاییم آگاه‌تر از قبل، با بینش دقیق‌تر، نسبت به مسائل پیرامونمان قضاوت کنیم.

سرهنگ پاسدار محمد یوسفیان
معاون روابط عمومی، تبلیغات و امور بین‌الملل
بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت

جنگ نوشت

از راهبرد مقاومت تا نقشه تفرقه

مریم عرفانیان

در بخشی از کتاب «سروها ایستاده می‌مانند» زندگی شهید مدافع حرم حسن قاسمی دانا را نوشتم. حسن برای راضی کردن مادرش به رفتن سوریه، با انگشت روی میز، سطحی صاف و فرضی کشید و درحالی‌که به قسمت‌های مختلف آن اشاره می‌کرد، گفت: «اینکه این‌جا ایران یا آنجا عراق و جایی دیگه افغانستان است، خط و خطوط ما آدم‌هاس. این ما هستیم که نقشه‌ها رو کشیدیم.»

آن‌وقت به‌طور فرضی همهٔ مرزها را پاک کرد و ادامه داد: «باید این مرزها برداشته بشه. «اسلام مرز نداره»، هرجا اسلام در خطر باشه باید بریم.»

این جمله کوتاه اما پرمعنا، برگرفته از سخن امام خمینی(ره) است و دیدگاه عمیق شهید را نسبت به مفهوم اسلام و جهان‌بینی او نشان می‌دهد. حسن، مرزهای جغرافیایی و سیاسی را ساختارهایی موقت و ساخته دست انسان می‌دانست که نباید مانع یاری رساندن به مظلومان شود. او با همین اعتقاد مادرش را قانع می‌کند و راهی جبهه مقاومت می‌شود.

اما در سویی دیگر، تصویری کاملاً متفاوت به چشم می‌خورد. در دیداری که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا داشت، او نقشه خاورمیانه را روی میز قرار داد و با رسم مرزهای جدید، قصد تقسیم‌بندی و بازتعریف جغرافیای منطقه را داشت. مرزهایی که هدفشان تحکیم قدرت، نفوذ و ایجاد تفرقه میان کشورهای غرب آسیا است.

این دو رفتار، نمایانگر دو نگاه متضاد به جهان‌اند:

یک‌سو نگرشی انسانی، مبتنی بر همبستگی، عدالت و دفاع از مظلومان؛

و سوی دیگر نگاهی سیاسی، مبتنی بر تقسیم، تفرقه و منافع قدرت‌های بزرگ.

شهید حسن قاسمی دانا، همچون امام خمینی(ره)، اسلام را فراتر از مرزهای جغرافیایی می‌دانست و وظیفه مسلمانان را حمایت از همه مظلومان جهان. این نگاه در شرایط پیچیده و پرتنش امروز منطقه، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد و نیازمند وحدت و همبستگی بیشتر جهان اسلام است.

آری، اسلام مرز ندارد، هرجا مظلومی باشد، آنجا جبهه ماست.»